

۱۳۰۱/۱/۱۹۳۳  
۱۳۰۱/۲/۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ۷۲۱.

# دانشگاه شهید بهشتی

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه آموزشی علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم تربیتی / گرایش آموزش بزرگسالان

عنوان:

بررسی تاثیر آموزش کار آفرینی بر نگرش کار آفرینانه و باور خود

کار آمدی عمومی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی

۱۳۸۷-۸۶

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر زهرا صباغیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد قهرمانی

اساتید اور:

جناب آقای دکتر یمنی

جناب آقای دکتر ابوالقاسمی

دانشجو:

عادل محسنی

پاییز ۸۷

۱۰۷۲۱۰

پژوهش حاضر به منظور شناسایی تاثیر آموزش کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی گروههای آموزشی مدیریت صنعتی، علوم کامپیوتر و ریاضی بوده که مجاز بودند درس کارآفرینی را در ترم دوم سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ انتخاب نمایند.

روش پژوهش، نیمه تجربی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بدون گزینش تصادفی است. ۳۰ نفر با روش نمونه گیری هدفمند به عنوان نمونه ی تحقیق انتخاب شدند که ۱۵ نفر داوطلب دریافت آموزش کارآفرینی بودند و، اعضا گروه تجربی را تشکیل می دادند و به همین تعداد از طریق همتاسازی با گروه تجربی (از لحاظ سن، جنس، رشته و سال ورود) در گروه کنترل- کسانی که این درس را نگرفته بودند جایگزین شدند. ابزار مورد استفاده این پژوهش آزمون نگرش کارآفرینانه رابینسون و باور خودکارآمدی عمومی شرر بوده است. داده های حاصل از این پژوهش از طریق نرم افزار SPSS و به روش T مستقل و همبسته و ضریب همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج بیانگر آن است که آموزش کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه ( $T=3.12$ ) و باور خود کارآمدی عمومی ( $T=2.92$ ) دانشجویان تاثیر مثبت دارد و بین نگرش کارآفرینانه و باور خود کارآمدی عمومی دانشجویان رابطه ی معنادار وجود دارد. ( $r=0.64$ )

واژگان کلیدی: آموزش کارآفرینی، نگرش کارآفرینانه، باور خودکارآمدی عمومی

بنابه جایگاه و وظیفه ساگر دی، بر خود فرض دانسته تا از زحمات و راهمائی های اساتید محترم گروه علوم تربیتی در طی دوران

تحصیل در این دانشکده، کمال تشکر را داشته و از اساتذ راهمائی ارجمند سرکار خانم دکتر صباغیان و از جناب آقای دکتر قربانی

به عنوان مشاور این پژوهش، پاسکزاری می نمایم.

هم چنین از همکاری مرکز کارآفرینی دانشگاه شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس و سازمان همیاری اشتغال

فارغ التحصیلان جهاد دانشگاهی قدردانی نموده و برای کلیه ی دوستانی که مشوق بنده در انجام این پژوهش بوده اند، آرزوی

توفیق روز افزون دارم.

عادل محسنی

ط	فهرست جداول
ی	فهرست اشکال
<b>فصل اول : کلیات</b>	
۲	بیان مساله
۶	ضرورت و اهمیت مساله
۸	اهداف تحقیق
۸	فرضیه ها
۹	متغیرها
۹	تعریف واژه ها
۱۰	مشکلات و محدودیت های تحقیق

**فصل دوم : ادبیات تحقیق**

۱۲	مقدمه
<b>کارآفرینی</b>	
۱۳	تعاریف کار آفرینی و کار آفرین
۱۵	نوع شناسی کار آفرینی
۱۶	ریشه یابی مفهوم کار آفرینی
<b>آموزش کار آفرینی</b>	
۱۸	تعریف آموزش کار آفرینی
۱۸	تاریخچه پیدایش آموزش کارآفرینی
۲۰	اهداف آموزش های کارآفرینی

- ۲۱----- افراد تحت پوشش آموزش های کارآفرینی
- ۲۱----- دوره های آموزش کارآفرینی
- ۲۲----- نکات مهم در ارائه دوره های آموزش کارآفرینی
- ۲۳----- رئوس مطالب و محتوی آموزش های کارآفرینی
- ۲۴----- روش های آموزش و تدریس کارآفرینی
- ۲۷----- فرآیند آموزش کارآفرینی
- ۲۹----- مراکز آموزش کارآفرینی
- ۲۹----- دانشگاه کارآفرین
- ۲۹----- تعریف دانشگاه کارآفرین
- ۳۰----- ماموریت دانشگاه کار آفرین
- ۳۱----- راهبردهای اساسی دانشگاه کارآفرین در توسعه کارآفرینی
- ۳۳----- کارکردهای دانشگاه کار آفرین
- ۳۴----- مولفه های کلیدی کار آفرین شدن دانشگاه ها
- ۳۵----- بررسی تجارب آموزش های کار آفرینی در کشورهای منتخب
- ۳۶----- آلمان
- ۳۷----- ایتالیا
- ۳۷----- هلند
- ۳۸----- اتریش
- ۳۹----- سوئد
- ۴۰----- مالزی
- ۴۲----- هندوستان
- ۴۲----- سنگاپور

- نگرشهای کار آفرینانه ..... ۴۳
- تعریف نگرش ..... ۴۳
- اجزای نگرش ..... ۴۴
- ویژگی های نگرش، ..... ۴۵
- ارتباط اجزای نگرش با یکدیگر ..... ۴۵
- ارتباط نگرش های مختلف با یکدیگر ..... ۴۶
- مفاهیم نزدیک به نگرش ..... ۴۶
- ارتباط باور با نگرش ..... ۴۸
- ارتباط قصد رفتاری با نگرش ..... ۵۰
- رابطه ی بین نگرش ها و رفتار ..... ۵۱
- چگونگی تاثیر نگرش بر رفتار ..... ۵۳
- چگونگی شکل گیری نگرش ها ..... ۵۵
- الگوهای تغییر نگرش ..... ۵۷
- الگوهای یادگیری ..... ۵۸
- الگوهای شناختی تغییر نگرش ..... ۵۹
- الگوهای کارکردی ..... ۶۱
- نظریه ی نگرش کار آفرینانه ..... ۶۲
- اجزای نگرش کار آفرینانه
- انگیزه پیشرفت ..... ۶۴
- مرکز کنترل درونی ..... ۶۵
- خلاقیت ..... ۶۶
- عزت نفس ..... ۷۰

## خودکارآمدی

- ۶۸----- خود
- ۶۸----- تقویت خود
- ۶۸----- باورهای خود کارآمدی
- اثرات باورهای خود کارآمدی
- ۷۱----- اثرات باورهای خود کارآمدی بر سطح انگیزش
- ۷۵----- اثر باورهای خود کارآمدی بر فرآیند های عاطفی
- ۷۶----- اثر باورهای خود کارآمدی بر فرآیند های انتخابی
- ۷۶----- منابع باورهای خود کارآمدی
- ۷۷----- تجارب تسلط بر امور
- ۷۷----- تجربه های جانشینی
- ۷۸----- ترغیب اجتماعی\_ قانع سازی کلامی
- ۷۸----- انگیزختگی فیزیولوژیکی هیجانی
- ۸۰----- مراحل رشد خود کارآمدی
- ۸۱----- باورهای خود کارآمدی و کار آفرینی
- ۸۳----- عاملیت انسانی و باورهای خود کارآمدی
- ۸۴----- حمایت های آموزشی از باورهای خود کارآمدی با توجه به کار آفرینی
- ۸۶----- کاربرد های خود کارآمدی در کار آفرینی

## بررسی تحقیقات

- ۸۸----- تحقیقات در ایران
- ۹۱----- تحقیقات در خارج از ایران
- ۹۴----- نتیجه گیری



## فصل سوم : روش تحقیق

- مقدمه ..... ۹۶
- روش و نوع تحقیق ..... ۹۶
- طرح تحقیق ..... ۹۷
- جامعه ..... ۹۷
- نمونه و روش نمونه گیری ..... ۹۷
- روش جمع آوری اطلاعات ..... ۹۸
- روایی و پایایی آزمون ها ..... ۱۰۰
- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات ..... ۱۰۱

## فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها

- مقدمه ..... ۱۰۳
- شاخص های توصیفی ..... ۱۰۳
- تحلیل فرضیات تحقیق ..... ۱۰۶

## فصل پنجم : نتیجه گیری

- مقدمه ..... ۱۱۴

### بررسی نتایج فرضیه های پژوهش

- فرضیه اول ..... ۱۱۴
- فرضیه دوم ..... ۱۱۵
- فرضیه سوم ..... ۱۱۷
- نتیجه گیری ..... ۱۱۸
- پیشنهادات اجرایی ..... ۱۱۸
- پیشنهادات پژوهشی ..... ۱۱۹

## فهرست منابع

۱۲۱-----منابع فارسی

۱۲۷-----منابع انگلیسی

### پیوست

پیوست یک: آزمون خودکارآمدی عمومی شرر

پیوست دو: آزمون نگرش کار آفرینانه

- جدول شماره ۱: فراوانی و درصد فراوانی گروه و جنسیت ----- ۱۰۳
- جدول شماره ۲: فراوانی و درصد فراوانی سن ----- ۱۰۴
- جدول شماره ۳: فراوانی و درصد فراوانی رشته ----- ۱۰۴
- جدول شماره ۴: فراوانی و درصد فراوانی سال ورود ----- ۱۰۵
- جدول شماره ۵: نتایج تحلیل t همبسته پیش آزمون و پس آزمون نگرش کارآفرینانه  
در گروه تجربی و کنترل ----- ۱۰۶
- جدول شماره ۶: نتایج تحلیل t مستقل نگرش کارآفرینانه در گروه تجربی و کنترل  
در پیش آزمون ----- ۱۰۷
- جدول شماره ۷: نتایج تحلیل t مستقل نگرش کارآفرینانه در گروه تجربی و کنترل  
در پس آزمون ----- ۱۰۸
- جدول شماره ۸: نتایج تحلیل t همبسته پیش آزمون و پس آزمون باور خودکارآمدی  
عمومی در گروه تجربی و کنترل ----- ۱۰۹
- جدول شماره ۹: نتایج تحلیل t مستقل باور خودکارآمدی عمومی در گروه تجربی و  
کنترل در پیش آزمون ----- ۱۱۰
- جدول شماره ۱۰: نتایج تحلیل t مستقل باور خودکارآمدی عمومی در گروه تجربی و  
کنترل در پس آزمون ----- ۱۱۱
- جدول شماره ۱۱: نتایج همبستگی پیرسون نگرش کار آفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی  
در پس آزمون گروه تجربی و کنترل ----- ۱۱۲

## فهرست اشکال

شکل ۱: انواع کارآفرینی ----- ۱۶

شکل ۲: مدل تحلیلی - ارتباطی کارآفرینی در آموزش عالی ----- ۳۳

فصل اول

کلیات تحقیق

## بیان مسأله

رشد و توسعه، پیش شرط اساسی و عامل بقا و ارتقاء جوامع بشری در تمامی عرصه‌ها به شمار می‌آید. غایت توسعه، تمدن‌سازی و تعالی جوامع در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای ایجاد شرایط بهینه‌ی زیست بشری است (راندال،<sup>۱</sup> ۱۹۹۰، به نقل از حق پناه ۱۳۸۴، ص ۳).

تغییر و تحولات دنیای پر شتاب کنونی در عرصه‌های علمی و فنی و چالش‌های پی در پی نظام اقتصادی- اجتماعی، کاهش ذخایر زیر زمینی، افزایش فقر و بیکاری، موجبات توجه عمیق‌تر سیاستگذاران و اندیشمندان را به مفهوم کارآفرینی فراهم نموده است تا آنجا که آخرین الگوی توسعه را توسعه‌ی مبتنی بر کارآفرینی قلمداد کرده‌اند (ظهیری، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

در این میان نیروی انسانی کارآمد و متخصص، یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها محسوب می‌شود (ریاحی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۰) و اصولاً معنای توسعه در هزاره‌ی سوم تکمیل استعدادهای انسانی می‌باشد (حافظی بیرگانی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۹). [بنا به این ضرورت و] همزمان با آشکار شدن نقش و تأثیر کارآفرینی بر روند اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، تلاش در جهت آموزش و تعمیم دانش و روحیه‌ی کارآفرینانه در بین مدیران، تجار و دانشجویان و کارآفرینان بالفعل شدت گرفت (احمدپور داریانی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۲).

آموزش کارآفرینی، در اکثر کشورهای پیشرفته و حتی در کشورهای در حال توسعه به عنوان یک ضرورت مطرح شده است و این تفکر که کارآفرینان دارای ویژگی ذاتی هستند، مورد پذیرش قرار نگرفته است (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۳۸۲).

فعالیت‌های آموزش کارآفرینی<sup>۲</sup> بطور غیر رسمی از اواسط دهه ی ۷۰ میلادی آغاز شده است ولی زمان شروع رسمی آن‌ها به ابتدای دهه ی ۸۰ میلادی بر می‌گردد (تامه کو، ۲۰۰۳، به نقل از

<sup>۱</sup> - Randal

<sup>۲</sup> - Entrepreneurship Training

ذبیحی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷). گیب<sup>۱</sup>، کلارک<sup>۲</sup> و مک فرسون<sup>۳</sup>، آموزش کارآفرینی را فرآیندی نظام‌مند،<sup>۴</sup> آگاهانه<sup>۵</sup> و هدف‌گرا<sup>۶</sup> می‌دانند که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات موردنیاز جهت کارآفرینی استفاده شده و بهبود و توسعه‌ی نگرش‌ها و مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت (به نقل از ذبیحی، ۱۳۸۶).

تحقیقات انجام شده تأکید می‌کند که فرایندها و برنامه‌های آموزشی خاص می‌تواند با تغییر بینش و نگرش افراد و تجهیز آن‌ها به دانش و مهارت‌های خاص، یک کارآفرین بالقوه را به کارآفرین بالفعل تبدیل کند (کیا و احمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۴۲).

انسان در محیط‌های مادی، اجتماعی و فرهنگی با موارد تازه‌ای برخورد می‌کند و نسبت به آنها عقاید و احساسات تازه‌ای را دارا می‌شود و آمادگی و تمایل پیدا می‌کند که به نحو خاصی در برخورد با آنها رفتار کند و بدین ترتیب نگرش‌های او شکل می‌گیرد. با شکل‌گیری نگرشها احتیاج انسان به تفکر و اخذ تصمیم جدید کم شده و رفتار او نسبت به این موارد، عادی، قالبی و قابل پیش‌بینی می‌گردد. بدین گونه است که باورها و نگرش‌های مشخص بر رفتار فرد حکومت می‌کنند (کرچ و کرچفیلد و بالاک، ۱۹۶۲، ترجمه صنایعی ۱۳۷۴).

ارزش‌ها به عنوان هدف‌هایی گسترده و به عنوان معنایی برای قضاوت عمل می‌کنند و شخص برای تصمیم‌گیری از آنها بهره می‌گیرد و از آن طریق باورهای خاصی را در خود ایجاد نموده و این باورها بر نگرش فرد تأثیر می‌گذارند و از این طریق قصد‌های رفتاری فرد شکل داده و پس از آن منجر به یک رفتار خاص می‌شوند (کریمی، ۱۳۸۷).

نگرش‌ها به عنوان بهترین وسیله و توصیف‌گر برای اقدام به کارآفرینی بیان شده‌اند و عقیده بر این است که داشتن نگرش‌های خاص منجر به فعالیت بیشتر در زمینه کارآفرینی خواهد شد و

---

<sup>1</sup> - Gibb

<sup>2</sup> - Clark

<sup>3</sup> - McPherson

<sup>4</sup> - Systematic process

<sup>5</sup> - Conscious

<sup>6</sup> - Goal-driven

می‌توان به صرف داشتن این نگرش‌های خاص از آنها انتظار بروز اعمال کارآفرینانه را داشت (1994، Simmons).

هم چنین [باورهای] خودکار آمدی در زمینه کارآفرینی یکی از ملزوماتی است که برای داشتن انگیزه کارآفرینی و نیز تلاش برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه جز لازم و حتمی به شمار می‌آید. به عنوان مثال برخی از افراد انجام فعالیت کارآفرینانه و جدید را دوست دارند اما نمی‌توانند به آن اقدام نمایند و البته علت این مسأله، فقدان توانایی و دانش و مهارت لازم در آن کار نیست بلکه به دلیل عدم وجود اعتقاد و باور نسبت به این توانایی و مهارت است (2000، Stajckovic Ibrayeva، Luthans).

اعتقاد بر این است که باورها و نگرش‌ها آموخته می‌شوند و زمانی که براساس تعلیمات خانوادگی و محیط اجتماعی ایجاد گردیده‌اند باز هم می‌توان با آموزش و یادگیری در آنها تغییراتی ایجاد نمود. بر این اساس میزان و نوع نگرش کارآفرینانه و باورهای خودکارآمدی افراد می‌تواند سطح فعالیت در زمینه‌ی کارآفرینی را تحت تاثیر قرار دهد (Robinson, Stimpson, Huefner, Hunt, 1991)

با در نظر گرفتن تئوری نگرش و دیدگاه رابینسون و همکاران (۱۹۹۱) در خصوص نگرش کارآفرینانه، نگرشی کارآفرینانه محسوب می‌شود که اجزای انگیزه‌ی پیشرفت، مرکز کنترل درونی، عزت نفس و خلاقیت را در ترکیبی با ابعاد سه گانه‌ی نگرش (شناخت، احساس و رفتار) را دارا باشد (مصحف، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

راشید بیان می‌دارد نتایج تحقیق محققان حاکی از آن است که مداخلات آموزشی، تاثیر مستقیم بر افزایش جنبه‌های خاص نگرش کارآفرینانه داشته است. هم چنین مطالعات قبلی در این خصوص نشان می‌دهد که آموزش‌های کارآفرینی می‌توانند نگرش در جهت کارآفرینی را تغییر دهند (به نقل از رابینسون و همکاران، ۱۹۹۱).



همچنین یکی از مفاهیم مرتبط با مبحث کارآفرینی باورهای خودکارآمدی است. خودکارآمدی مفهومی است که آلبرت بندورا آن را برای تبیین تئوری شناختی اجتماعی خود در نظر گرفته و آن را پیش شرط اساسی برای آزاد سازی استعداد های پنهان کارآفرینی افراد می‌داند. واژه خودکارآمدی در اصل به معنای قضاوت افراد در مورد توانایی‌های خود برای سازماندهی و اجرای ملزوماتی است که برای انجام یک فعالیت خاص لازم می‌باشد (pajares, 2002).

به عبارت دیگر باور خودکارآمدی، اعتقادی است که فرد برای دستیابی به سطح مشخصی از عملکرد و نیز برای دستیابی به نتایج دلخواه خویش، نسبت به ظرفیت‌ها و توانمندیهای خود دارد. افرادی که باورهای خودکارآمدی قوی دارند، معتقدند که می‌توانند به طور موثر با رویدادهای و شرایطی که مواجه می‌شوند برخورد نمایند و در انجام تکالیف استقامت نموده و اغلب در سطح بالایی از عملکرد قرار می‌گیرند (شارف، ۱۹۹۱، ترجمه‌ی فیروز بخت، ۱۳۸۰، ص ۳۰۱).

حال با توجه به نقش و رابطه‌ی آموزش بخصوص آموزش‌های کارآفرینی با نگرش کارآفرینانه و باورهای خودکارآمدی، نقش نظام آموزشی و بالاخص نظام آموزش عالی در امر توسعه‌ی جامعه بیش از پیش محرز می‌گردد. آموزش عالی از طریق انتقال دانش کاربردی در زمینه‌ی اشتغال، ایجاد مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز در زمینه کارآفرینی، بستر سازی فرهنگی و توسعه و حمایت پژوهشی از کارآفرینی، مفاهیم کارآفرینی را وارد دانشگاه نموده و دانش، نگرش و مهارت دانشجویان را به سوی کارآفرینی و کارآفرین شدن سوق می‌دهد (کیا و احمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۴۱). با شروع برنامه پنج ساله سوم توسعه در سال ۱۳۷۹، طرح‌های مختلف و متنوعی به منظور رشد و توسعه کشور به اجرا درآمد که یکی از این طرح‌ها موضوع کارآفرینی است. طرح جامع توسعه کارآفرینی در سطح چندین وزارتخانه از جمله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آغاز شد (بهیان، ۱۳۸۶، ص ۳۹۸). و عملکرد طرح کاراد (طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور) شامل فعالیت‌های ترویجی، آموزشی، پژوهشی، ستادی و فرهنگی می‌باشد (خداداد حسینی و بهاری فر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵).

حال این سوال مطرح می‌گردد که آیا آموزشهای کارآفرینی ارائه شده در سطح دانشگاه، قادر است بر نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان تاثیر مثبتی بر جای بگذرد.

### ضرورت و اهمیت مساله

بدون شک دانشجویان با ورود به دانشگاه یا موسسه‌ی آموزش عالی باید به آینده نگاه کنند. او در این مرحله‌ی مهم از زندگی خود می‌تواند از طرفی اوقات خوب و لذت بخشی را در دانشگاه داشته باشد و از طرفی دیگر از وقت و زحمات خود بیشترین بهره را ببرد و این یعنی غنیمت شمردن فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری بر روی خویشتن.

دوران دانشجویی بهترین فرصت برای فهم و درک انتظاراتی است که کارفرمایان از دانش‌آموختگان دانشگاهی دارند. در واقع دانشجویان در دوران دانشجویی با دنیایی آشنا می‌شوند که به آنها فرصت می‌دهد به فعالیت‌های متنوعی بپردازند، آدم‌های بی‌شماری را ملاقات کنند و حس کنجکاوی خود را نسبت به موضوعات متنوعی ارضا نمایند. در نتیجه دانشجویان می‌توانند از دوران دانشجویی در جهت شناخت خصوصیات شخصی، علائق و حرفه‌ی آینده‌ی خود بهره بگیرند.

اما متأسفانه به نظر می‌رسد دانشجویان ایرانی به ویژه در طی سالهای ابتدائی تحصیل در دانشگاه، آن چنان در رویای دانشجوی بودن غرق شده‌اند که به هیچ وجه به اشتغال و ضرورت توجه به آن در دانشگاه فکر نمی‌کنند و به جای پرداختن به فعالیت‌های دانشجویی مفید که می‌تواند باعث تقویت مهارت‌های شغلی آنها شود، به بیراهه می‌روند.

بیکاری و مسئله اشتغال به ویژه در سطح جوانان تحصیل کرده، پدیده‌ها و عوارض مختلفی را به جامعه تحمیل کرده و منشأ چالش‌های متعددی در سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. این مساله در سالهای اخیر به شکل روز افزونی بحرانهای اقتصادی را تشدید کرده است.

در حال حاضر در ساختار نظام آموزشی کشور، موضوع اشتغال یا آموزش‌های اشتغال محور و کارآفرینی از جایگاه مناسبی برخوردار نمی‌باشد. دانش‌آموختگان پس از پایان تحصیلات وارد

دنیای بازار کار می شوند و بدون داشتن اطلاعات کافی از الزامات و نیازهای بازار کار در حاله‌ای از ابهام و ناامیدی قرار می‌گیرند. افراد جویای کار و بخصوص دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی به دلیل عدم آشنایی با فرآیندهای خود اشتغالی و کارآفرینی، از شرایط و اصول تاسیس شرکت یا بنگاه اقتصادی و ایجاد شغل برای خود و دیگران اطلاع کافی ندارند و آن چه مشخص است در این وضعیت، این افراد در نگرش کارآفرینانه و باورهای خودکارآمدی دچار ضعف هستند و احساس توانمندی کافی را ندارند و این، مشکل را دو چندان می‌نماید (مهربانی، ۱۳۸۵).

در اقتصاد مبتنی بر دانش، دانشگاه‌ها علاوه بر مأموریت‌های آموزشی و تحقیقاتی، مأموریت سوم خود یعنی مشارکت فزاینده تر در فرآیند نوآوری و توسعه تکنولوژی را نیز عهده‌دار گشته‌اند (باقری نژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۶۹).

سازمان علمی آموزشی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در چشم‌انداز جهانی آموزشی عالی برای قرن ۲۱، دانشگاه‌های نوین را این گونه توصیف کرده است: جایگاهی است که در آن مهارت‌های کارآفرینی به منظور تسهیل قابلیت‌های فارغ التحصیلان و برای تبدیل شدن به ایجاد کنندگان کار، توسعه می‌یابد (به نقل از ظهیری، ۱۳۸۶، ص ۱۱). بدیهی است یکی از ابزارهای عمده ی توسعه کارآفرینی - و به تبع آن ایجاد اشتغال - آموزش، به ویژه در سطح تحصیلات عالی است (کردنائیج و شمس، ۱۳۸۴، ص ۳۵۴).

از آنجایی که کارآفرینی در کشور ما پدیده‌ای نو و جدید است، ترویج و اشاعه‌ی مفاهیم و راهکارهای علمی اشتغال و کارآفرینی در جامعه و بخصوص در محیط‌های دانشگاهی یک ضرورت به شمار می‌رود. بنابراین، این مطالعه و مطالعاتی نظیر آن، در توسعه ی ادبیات و ترویج فرهنگ کارآفرینی در کشور موثر است.

یکی دیگر از ضرورت‌های پژوهش حاضر، ضرورت نظری آن است چرا که این پژوهش ادامه مطالعات مربوط به نگرش کارآفرینانه و باورهای خودکارآمدی و مبحث کارآفرینی محسوب می‌شود و از آنجایی که نگرش کارآفرینانه و باورهای خودکارآمدی نقش موثری در تبدیل ایده‌های

کارآفرینی به عمل کارآفرینانه دارند، مطالعه روش‌های افزایش خودکارآمدی و نگرش کارآفرینانه، ضرورت خاصی دارند. بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان یکی از گام‌های افزایش رفتار کارآفرینی مطرح گردد که در صورت تاثیر می‌توان، از آنها استفاده نمود و در صورت عدم تاثیر، می‌توان به راه‌های دیگر اندیشید.

هم چنین از جمله ملزومات رشد کارآفرینانه، توجه به حیطه‌ی روانشناختی و تمرکز بر ویژگی‌های مورد نظر است که با شناسایی و آموزش این ویژگی‌ها، می‌توان فراوانی رفتار کارآفرینانه را در جامعه افزایش داد.

بر این اساس، اهمیت آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها محرز و لزوم تحقیقات در زمینه‌ی کارآفرینی و آموزش‌های کارآفرینی، گامی به جلو در جهت رشد و توسعه کشور به شمار می‌آید.

#### اهداف تحقیق

##### هدف کلی:

شناسایی تاثیر آموزش کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶.

##### اهداف جزئی:

- شناسایی تاثیر آموزش کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه دانشجویان
- شناسایی تاثیر آموزش کارآفرینی بر باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان
- شناخت ارتباط بین نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی در بین دانشجویان

##### فرضیه‌ها

- آموزش کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه دانشجویان تاثیر مثبت دارد.
- آموزش کارآفرینی بر باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان تاثیر مثبت دارد.
- بین نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان، ارتباط معنادار وجود دارد.